

## تأثیر همسران صالح بر ارتقای شخصیت انسان

سیده نرگس بتول جعفری<sup>۱</sup>

سیده ام فروه نقوی<sup>۲</sup>

### چکیده

شخصیت به معنای پدیده‌ای تکاملی و تدریجی است که تحت تأثیر بسیاری از عوامل درونی و بیرونی از جمله وراثت، خصوصیات جسمانی و شرایط اجتماعی قرار می‌گیرد و رشد و تکامل می‌یابد، همسران صالح بر اساس ساختار وجودی که خداوند به هر کدام مطابق ضرورت عنایت فرموده است به دور از هیاهوی تساوی زن و مرد باید در ارتقاء شخصیت یکدیگر گام بردارند تا باعث تکامل یکدیگر شوند. در این پژوهش با عنوان «تأثیر همسران صالح در ارتقاء شخصیت» سعی شده به روابط زوجین و تأثیر ارزش‌های اخلاقی آنها در تحکیم بنیان خانواده بازبینی شود. زیرا نیاز جامعه امروز ایجاب می‌کند که عوامل رشد متعالی در خانواده شناسایی و

---

<sup>۱</sup>. کارشناس علوم قرآنی و حدیث، موسسه تحقیقاتی مکتب نرجس، پاکستان.

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی @gmail.com ۱۹۹۴۱ Farvanaqvi

به کار گرفته شوند. چون تهاجم فرهنگی غرب از طریق ماهواره‌ها و غیره نظام خانواده را هدف قرار داده تا بنیاد خانواده‌ها را در کشورهای شرقی سست کند. لذا این ضرورت احساس می‌شود که شخصیت زن و مرد مورد بازبینی قرار گیرد تا ارزش‌های دینی بیدار شده و به استحکام بنیاد خانواده بیانجامد.

**کلیدواژه‌ها:** ارتقاء، شخصیت، صالح، کامل، همسر

### مقدمه

خانواده کانونی است که در کنار تأمین سلامت جسمانی و روانی، کرامت انسانی و رشد معنوی آن نیز باید توجه گردد و استحکام یابد. قوام خانواده به منظور تداوم انسجام جامعه و تأمین محیطی سالم برای زیستن انسان‌ها ضروری است. در کانون خانواده، همسران نسبت به یکدیگر وظایفی برعهده دارند که از حقوق آنان سرچشمه می‌گیرد. این وظایف باید به شکل متقابل مورد توجه قرار گیرد تا در سایه ایفای نقش همسران، این کانون بنیادین تقویت و تعالی یابد. از طرفی توجه به ویژگی‌های شخصیتی طرفین در رشد این تعالی موثر است. بنابراین نهاد خانواده در پرتو حفظ شخصیت و آبرو و عفت زن و شوهر است. در این پژوهش نیز سعی شده تأثیر شخصیت طرفین در استحکام بنیان خانواده مورد بررسی قرار گیرد تا علاوه بر مشخص کردن جایگاه و نقش زوجین در خانواده به ارتباط سنجی ارزش‌های متعالی و اخلاقی طرفین پرداخته شود. می‌توان گفت به علت بالا

رفتن آمار طلاق در جوامع ضرورت دارد که هر کدام از زن و مرد به این نتیجه برسند که چگونه می‌توانند باعث تکامل یکدیگر شده و در شخصیت سازی همدیگر مؤثر واقع شوند

### پیشینه تحقیق

به دلیل اهمیت همسران صالح، نویسندگان و مولفان در موضوع تأثیر همسران صالح در ارتقاء شخصیت و ارتباط با شخصیت زن، دست به نگارش زده‌اند که برخی به قرار ذیل است:

#### الف: مقاله

- افروز، غلام علی، همسران برتر، مجلات نور، شماره ۲۱۷، ۱۳۷۶
- هاشمی، سید حسین، مبانی و معیارهای رفتار با زن در قرآن، پژوهشهای قرآنی، شماره ۲۵، ۱۳۸۰
- مردادی، صفر، همسر شایسته و رضامندی، مجله مبلغان، شماره ۱۱۳، ۱۳۸۸

در زمینه تأثیر همسران صالح در ارتقاء شخصیت به‌طور خالص با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است، البته کتب یا مقالات در ارتباط با شخصیت زن به‌طور جداگانه موجود است. در کتب مختلف در ارتباط با این موضوع مطالبی نگاشته شده است. ولی به شکل طرفینی و مراد جنس با هم دیده نشده است.

بنابراین در این پژوهش سعی شده به شکل طرفین مراد نقش هم‌جنس به‌طور تخصصی بیان شوند.

## مفهوم‌شناسی

بررسی واژگان در فهم موضوع تأثیرگذار است از این‌رو به واژگان کلیدی بحث اشاره می‌شود:

**ارتقاء:** ارتقاء از رقاء به معنای بالا رفتن، بلند آمدن، صعود، در لغت برآمدن است و در اصطلاح بالقاء آن است که صفتی آغاز کند و به مراتب بالا رود. (دهخدا، ۱۳۳۰، ۱۵۲۸) می‌توان گفت که توسعه شخصیت، وقتی کنار هم قرار می‌گیرد مفهوم کامل‌تر می‌شود یعنی به فرآیند توسعه و ارتقاء شخصیت هر فرد اشاره دارد که به فرد کمک نموده تا اعتماد به نفس و عزت‌نفس خود را افزایش دهد. به گفته متخصصان، توسعه شخصیت، تأثیر مثبتی بر روی مهارت‌های ارتباطی و نحوه نگرش افراد به جهان هستی خواهد داشت

**شخصیت:** شخصیت (ش خ ص) مأخوذ از تازی شرافت و رفعت و بزرگواری و مرتبه و در (ناظم الاطباء) صاحب وجودی، وجود، منش. در اصطلاح روانشناسی، شخصیت یا منش عبارت از مجموع نفسانیات (احساسات، افکار، عواطف) می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۳۰، ۲۷۲) شخصیت الگوی معمول تفکر، احساس و رفتار فرد است که از او انسانی متمایز می‌سازد. وقتی ابراز می‌کنیم که کسی شخصیت خوبی دارد منظورمان این است که او دوست‌داشتنی و جالب است و بودن در کنار او تجربه خوشایندی است. همه می‌خواهند که برای دیگران جذاب باشند. برای رسیدن به این خواسته داشتن یک شخصیت خوب، حتی از

ظاهری جذاب هم حیاتی‌تر است. در حقیقت ۸۵٪ از موفقیت و شادی افراد در نتیجه کیفیت رابطه آنها با دیگران شکل می‌گیرد. در نهایت این شخصیت شماست که تعیین می‌کند سایرین به شما جذب شوند یا از شما فاصله بگیرند. در حالی که تنها تا اندازه‌ای قدرت داریم ظاهرمان را تغییر دهیم، این توانایی را داریم که شخصیت خود را تا هر اندازه که می‌خواهیم ارتقا دهیم. ما می‌توانیم صفات و ویژگی‌های یک شخصیت قوی را که مناسب و مطلوب می‌دانیم در خود تقویت کنیم.

**صالح:** صلاح، الصلاح، نیکو، خوب، کارآمد، پرهیزگار، انجام وظیفه کننده. (فواد، ۱۳۷۳، ۱۸)

### عوامل ارتقاء شخصیت

یکی از مهم‌ترین عوامل ارتقاء شخصیت، دین است. دین براساس هیئت، ساخت اولیه روانی انسان (فطرت) شکل گرفته و موجب پیدایش ساخت و هیئت روانی خاص می‌شود که انسان را وادار به اعمال خاص می‌کند که انجام دادن این اعمال موجب ارتقاء شخصیت می‌شوند.

### دین

دین مجموعه‌ای از قوانین و سنت‌های الهی است که از طرف خداوند توسط پیامبر برای هدایت بشر آمده است و اهداف عالی انسانی را رهنمون می‌کنند.

هم‌چنین این حوزه گسترده می‌باشد و شامل مباحث اعتقادی اخلاقی و احکام عملی است که نه تنها زندگی فردی را که کل

جامعه را دربرگیرد، بخش عقاید شامل آن دسته از مفاهیم دین است که شناخت صحیحی از جهان هستی، آفریدگار و مبدأ و منتهای آن ارائه می‌دهد. آن دسته از گزاره‌های دین که در مقام توصیف پدیده‌های عالم برآید در این بخش قرار می‌گیرد. دانش مربوط به حوزه دین علم کلام یا علم عقاید نامیده می‌شود. احکام آن بخش از دین است که کارهای واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح را می‌شناساند و دانش مربوط به آن علم فقه است. (شیروانی، ۱۳۸۹، ۲۵) بخش اخلاق نیز شامل آن دسته از آموزه‌های اسلامی است که خلق‌های خوب و بد و راه دست یافتن به آنها را بیان می‌کند. دانش مربوط به این حوزه دین، علم اخلاق نامیده می‌شود. آنچه که در این پژوهش از گستره دین به آن می‌پردازیم مباحث اخلاقی است، زیرا ارزش‌گذاری جایگاه خانواده، این عضو کوچک اجتماع و اهمیت بسزایی برخوردار است.

### اعتقادات

مهم‌ترین علل ازدواج موفق و زندگی آرام، باورهای دینی و پایبندی عملی زوجین به ارزش‌ها و فرایض دینی است. بر همین اساس مردان و زنان خداپاور و پاک اندیش در آرزوی داشتن همسری مؤمن و نیک سیرت و عامل به ارزش‌های قرآنی هستند. چنین گرایشی در امر ازدواج برخاسته از نهاد پاک و فطرت کمال‌جوی انسان است. از همین روست که خداوند متعال در قرآن مجید بهترین ازدواج را وصلت پاکان و متقیان با یکدیگر می‌داند. در

سوره نور خداوند می‌فرماید: «لِخَيْثَاتٍ لِّلْخَيْثِثِينَ وَالْخَيْثُونَ لِّلْخَيْثَاتِ وَالطَّيِّبَاتِ لِّلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِّلطَّيِّبَاتِ» (نور/۲۶) زنان پاک از آن مردان پاک و مردان پاک از آن زنان پاک‌اند و خصلت‌های پاک بشری سرمایه‌های عظیمی است که ناشی از خداواری و تقوای پیشگی نیز حاصل توحید و معاد اندیشی است. به بیان دیگر در نزد زنان و مردان پاکدل، ارزشمندترین معیارها برای انتخاب خداپرستی و معاد باوری است و این خصائص از گرانقدرترین و پایدارترین جاذبه‌ها در زندگی زناشویی است. از این رو مردی که داوطلب ازدواج است لازم است که خود مسلمان باشد و زن مسلمان نمی‌تواند با مردی از اهل کتاب یا لامذهب پیمان زناشویی ببندد. یکی از فلسفه‌های آن این است که زن تحت تأثیر شوهر است. روایات ما توجیه می‌کنند که حتی زن شیعه مردی از اهل تسنن را به همسری نپذیرد اگرچه ازدواج با او حرام نیست مگر آن که ناصبی باشد. زیرا غلبه مرد بر زن ممکن است و زمینه را برای انحراف او فراهم می‌سازد. مسلمان با اهل کتاب از یهودی و نصرانی حق ازدواج ندارند مگر این که ضرورت اقتضاء کند، یعنی در جایی که اصولاً مسلمان وجود ندارد و از لحاظ غریزه جنسی در مضیقه می‌باشد. هم‌چنین فرد مسلمان با زن اهل کتاب به‌طور موقت می‌تواند ازدواج کند ولی توجیه شده که این امر مهم جز به هنگام اضطرار صورت نگیرد. از دیدگاه اسلام هر مردی و زنی، با هر شرایط مذهبی نمی‌تواند پیمان زناشویی ببندند. شرط کفویت

در اسلام، ایمان و اعتقاد است. از نظر اسلام با هر کس که دارای هر نوع زمینه اعتقادی باشد نمی‌توانند ازدواج کند، مسلمان مطلقاً کافر و مشرک حق ازدواج ندارد نه دائم، نه موقت. (افروز، ۱۳۸۹، ۵۶) علاوه بر این، اتفاق‌های دیگر رخ می‌دهند که یک زوج مسلمان به علت اختلاف در سطح اعتقادی، زندگی پرآشوب و ناراحتی را می‌گذرانند. اگر یک دختر مؤمن با یک پسر بی‌بندوبار ازدواج کند، از نظر لباس پوشیدن، روزه گرفتن، نماز خواندن و یا معاشرت با دوستان شوهر و خانواده‌اش ناراحت است. او نمی‌تواند به اعتقاداتی که بدان پای‌بند است، جامه عمل بپوشاند و گاه اتفاق می‌افتد که شوهرش او را به انجام اعمالی خلاف شرع نظیر عدم رعایت حجاب، دست دادن با مردان نامحرم و شرکت در جلسات لهو و لعب و نظایر آن وادار می‌کند و در صورتی که اطاعت نکند و به او برچسب‌هایی نظیر مرتجع و عقب افتاده بزند و چه بسا که زندگی را برای او تلخ سازد. لذا نتیجه می‌گیریم که اختلاف عقیده منجر به پیامدهایی همچون اختلاف در تربیت فرزندان، اختلاف در انجام فرایض و مراسم دینی، اختلاف در مسافرت‌ها و گردش، ... و غیره می‌باشد. (افراز، ۱۳۸۹، ۶۶) می‌توان گفت مسایل اعتقادی که در زیربنای اعتقادی ما قرار دارند بستگی به نوع اعتقادات، نحوه رفتار، پوشش و تفکر تحت تأثیر قرار می‌گیرند. اگر تفاوت اعتقادی زیاد باشد، تضاد در رفتار زیاد است و شاهد مشکلات روزمره بین زوجین هستیم. این نوع ازدواج اشتباه است.



## اخلاق

ریشه فضایل اخلاقی و سجایای انسانی از پاکی خانواده‌ها و ولایت سرچشمه می‌گیرد و این فضایل اخلاقی بر شخصیت تأثیر بیشتر دارد لذا در روایات منع شده که با افراد ناصالح دوستی کنید که فساد و تباهی آنها در شما اثرات سوء خواهد گذاشت. پایبندی به دین و اخلاق که از اصلی‌ترین مسایل زندگی هستند، از این روی کسی که این پایبندی را رعایت نکند هیچ تضمینی وجود ندارد که به رعایت حقوق همسر و زندگی مشترک پایبند باشد. انسان دین‌دار و اخلاق‌مدار مشکل است که با همسر بی‌دین و بداخلاق کنار بیاید و زندگی مشترک سعادت‌مندان‌های داشته باشد. (رحیمی، ۱۳۸۹، ۲۶) لذا یکی از معیارهای انسانی در انتخاب همسر، اطمینان از اخلاق خوب و شایسته طرف مقابل است، زندگی کردن با افراد خشن، بداخلاق و تندخو دشواری‌های زیادی را به دنبال دارد. از جنبه ایمان و اعتقاد زن، توصیه شده که با زنی ناصبی ازدواج نکند. امام باقر با زنی ازدواج کردند پس از مدتی او را طلاق داده، علت را پرسیدند امام فرمودند: ناصبی بود. هم‌چنین از جنبه‌های اخلاقی در روایات آمده است: «با زن بداخلاق و کج رفتار ازدواج نکنید» (عاملی، بی‌تا، ۴۳) زیرا در آن صورت غرض مهم ازدواج هم محقق نمی‌شود؛ زیرا شریک آینده و همدم و همگام با مرد است. اگر بداخلاق یا بد دهان و بدرفتار باشد، زندگی خانوادگی را به جهنمی سوزان تبدیل می‌کند. در همه حال باید انتخاب همسر تکیه در صالح بودن و پاکی و پاکدامنی، پرهیز از گناهان و دارای محاسن اخلاقی، علاقمند به فضیلت‌های انسانی

دارای محبت متقابل باشد. بنابراین اخلاق هر کسی در زندگی او تأثیر مستقیم دارد ولی این تأثیر در محیط خانواده محسوس‌تر و نقش آفرین‌تر است؛ زیرا مسایل عاطفی در خانواده بر مسایل دیگر غلبه دارد و محیط خانواده بیشتر بر منای خصوصیات اخلاقی اعضای آن شکل می‌گیرد.

### فرهنگ

قدم اول در انتخاب همسر مناسب، تناسب فرهنگی بین خانواده‌هاست. باید توجه داشت دو فردی که قرار است با هم زندگی کنند، از نظر اجتماعی فاصله زیادی با یکدیگر نداشته باشند، زیرا فاصله غیر قابل قبول باعث بروز مشکلات می‌شود. فرهنگ مجموعه‌ای از آداب و رسوم، سنت‌ها، عادات، افکار، عقاید است که در یک جامعه نهادینه شده باشد. از این رو عوامل مؤثر در پیوندهای پایدار میان همسران، هماهنگی و هم‌سویی دیدگاه اجتماعی و باورهای فرهنگی آنان است. کسانی که از نظر اعتقادات و بینش‌های عمیق دینی و رفتارهای متعالی مذهبی هم‌سویی کامل دارند، در نگرش‌ها و برداشتهای اجتماعی و فرهنگی نیز از زبان مشترک برخوردار خواهند بود. (افراز، ۱۳۸۹، ۶۵) بنابراین، هماهنگی در زمینه فرهنگی نیز در ایجاد روابط سالم و سازنده نقش مهمی دارد. اگر زن و شوهر هنگام ازدواج همان‌گونه که هم‌کفو بودن در اعتقادات دینی را در نظر گرفته‌اند، به هم‌کفو بودن در فرهنگ و سطح فکری نیز توجه کنند، پس با خانواده‌ای ازدواج کنند که در آن طرز فکرها، آداب و رسوم، خلق‌وخوها و ارزش‌هایشان شبیه هم باشد. (حسینی، ۱۳۸۹، ۵۸) پس برای



ارتقای شخصیت هم فکر و هماهنگ بودن لازم است، چون اگر فرهنگ‌های نامناسب بین زوجین باشد نه فقط برای خودشان بلکه برای بچه‌هایی که بعداً به دنیا می‌آیند، تأثیر خوبی ندارد.

### تأثیر جنسیت در ارتقای شخصیت

ارتقای شخصیت زن و مرد را به صورت دقیق و کامل از مهم‌ترین ابعاد بررسی نمودیم و اکنون تأثیر جنسیت در ارتقای شخصیت را در بحث نقش‌های مختص زن و مرد و نقش مشترک زن و مرد به صورت کامل بررسی می‌شود.

#### نقش‌های مختص زن و مرد

مردان سرپرست و نگهبان زنانند به خاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به دیگران قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان می‌کنند و زنان صالح زنانی هستند که متواضعند و در غیاب شوهر، اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و همانند یک اجتماع بزرگ رهبر و سرپرست واحدی دارد، در نتیجه مرد یا زن یکی باید (رئیس) خانواده و دیگری (معاون) و تحت نظارت او باشد. قرآن در این‌جا بیان می‌کند که مقام سرپرستی باید به مرد داده شود و می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ» (نساء/۳۴) مردان سرپرست و نگهبان زنان هستند. این

تعبیر استبداد، اجحاف و تعدی نیست، بلکه منظور رهبری واحد منظم با توجه به مسئولیت‌ها و مشورت‌های لازم است. به این وجود در دنیای امروز بیش از هر زمان روشن است که هر هیئتی حتی اگر هیئتی دو نفره باشد، باید یکی از آن دو (رئیس) و دیگری (معاون) یا عضو باشد وگرنه در نهایت به هرج و مرج می‌رسند. سرپرستی مرد در خانواده هم همین است و این موفقیت به خاطر وجود خصوصیتی در مرد است مانند ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه و احساسات، برعکس زن که سرشار از عواطف بیشتر است. ثانیاً بنیه و نیروی جسمی بیشتری نسبت به زن داراست لذا این امتیازها را خداوند در مرد قرار داده است تا با اولی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند و با دومی بتواند از حریم خانواده دفاع نماید. علاوه بر این تعهد او در برابر زن و فرزندان نسبت به پرداختن هزینه‌های زندگی و پرداخت مهریه و تأمین زندگی آبرومندانه همسر و فرزند، این حق را به او می‌دهد که وظیفه سرپرستی به عهده او باشد. پس نتیجه می‌گیریم خداوند همه را یکسان آفریده است و اگر کسی برتری دارد به خاطر وظایف خودش هست، زن جای خودش و در وظایف خودش برتر است و همین‌طور مرد در وظایف خودش برتر است.

### عفو و گذشت

یکی از نقش‌های تربیتی اخلاقی همسران عفو و گذشت می‌باشد. عفو و گذشت، از بزرگی روح است و سبب ارجمندی وجود می‌شود. زن و شوهر ممکن است نسبت به یکدیگر، مرتکب

خطا و اشتباه شوند، اشتباه و خطایی که از هر دو طرف، قابل گذشت، اغماض و عفو است. بر زن و مرد الزام اخلاقی و شرعی است که از یکدیگر در مورد لازم، گذشت کنند. بشر به غیر معصوم همواره در معرض خطا و اشتباه است، کسی نیست که در زندگی، اشتباه و لغزش نداشته باشد، انسان ممکن است از روی نادانی، کاری ناروا انجام دهد. در این خصوص فرقی بین دو طرف نیست. دو نفر که زندگی مشترک دارند، باید لغزش‌های یکدیگر را ببخشند. اگر از زن یا شوهر خطایی سر زد و طرف مقابل سکوت کرد و اشتباه او را نادیده گرفت، خطاکار به دلیل عذاب وجدان نسبت به کردارش پشیمان خواهد شد. گذشت و چشم‌پوشی از عواملی است که انسان‌ها می‌توانند به تدریج از لحاظ اخلاقی رشد کنند. از پیامبر اکرم می‌فرمایند: آیا شما را از بهترین خلق و خواهی در دنیا و آخرت با خبر سازم و آن این است که از کسی که بر تو ستم کرده بگذرید. (کلینی، ۱۳۸۵) پس یکی از نقش‌های تربیتی و همچنین عوامل پویایی و ماندگاری عشق و محبت در زندگی، گذشت و فداکاری و تحمل مصائب و مشکلات آن می‌باشد.

### اعتماد به یکدیگر

هر یک از زن و شوهر باید به یکدیگر اعتماد داشته باشند و اجازه ندهند که اگر بدبینی و بی‌اعتمادی بر زندگی آنان سایه افکند. اگر چه مراقبت، دلسوزی، خیرخواهی و نصیحت در حد معمول، مقبول و پسندیده است ولی نباید به مرز بدبینی و عدم اعتماد برسد. زیرا به آرامش و صمیمیت که لازمه زندگی مشترک است لطمه می‌زند. امیرالمؤمنان در این باره می‌فرماید: «بدگمانی،

کارها را مختل می‌کند و انگیزه شرّ می‌شود» اطمینان و اعتماد زن و شوهر به هم در حقیقت حالتی را بین دو طرف زندگی ایجاد می‌کند که باعث می‌شود، زن و شوهر با خیال راحت و آسوده، نسبت به شریک زندگی‌اش، با تمام توانش در راه ساخت خودش حرکت کند. وقتی اطمینان، اعتماد و آرامشی که لازمه زندگی موفق است. از طرف زن و شوهر به همسرش داده نشود ممکن است طرفین سعی کنند این موارد را از طریق سایر افراد، مثل خانواده یا دوستان بدست آورند. یکی از مشکلاتی که خانواده با آن روبرو می‌شوند و سبب پیامدهای ناخوشایند زیادی می‌گردد. کمبود یا نبود اتحاد متقابل زوجین و آثار آن است که باعث بیشتر شدن شک و تردید در بین آن دو و تغییر رفتارهای معمولی بر این اساس می‌گردد. پس هرگاه اعتماد زن به شوهر ضعیف شود، چنین می‌پندارد که زن دیگری در زندگی‌اش وجود دارد، به این ترتیب تمام رفتارها و واکنش‌هایش را بر همین دید بنا نهد و زندگی خود را به جهنمی تبدیل می‌کند. اگر مرد نیز به همسرش بی‌اعتماد شود، زندگی برای هر دو قابل تحمل نیست. همیشه مواظب همسر است و در هر حال او را می‌پاید، شاید گاهی هم کارهایی غیر معمول را از او ببیند که با این مشاهدات شک او را تقویت کند و اعمال اشتباه خود را با شریک زندگی‌اش توجیه نماید. اینجاست که خانواده از هم باشد و دلیل آن نیز همین عدم اعتماد بین زن و شوهر است. گفتن و فریب دادن یکدیگر و با هم رُک و رو راست نبودن از مهمترین دلایل ضعیف شدن اعتماد زن و شوهر به یکدیگر است. (WwwTebyan. Zn. I)

## محبت به یکدیگر

یکی از وظایف اخلاقی زن و شوهر آن است که هر کدام سعی نمایند به یکدیگر احترام بگذارند و تلاش کنند باعث ناراحتی و عصبانیت دیگری نشوند اگر چنین شد روز به روز علاقه و محبت در محیط خانه بیشتر خواهد شد و طعم زندگی در کام همه شیرین خواهد ماند. حضرت علی و حضرت فاطمه بر همین مبنا زندگی نمودند و لذا زندگی آن دو برای جهانیان الگو گردید. حضرت علی می‌فرماید: به خدا سوگند من هیچ وقت او را غضبناک نکردم و بر هیچ کاری او را مجبور نساختم تا این که خداوند روح او را قبض کرد و به شهادت رسید و حضرت فاطمه نیز هیچ وقت مرا خشمناک نکرد و هیچ زمانی از کاری که به او گفتم نافرمانی نکرد و هر وقت به او نگاه می‌کردم تمام غصه‌ها از دلم برطرف می‌شد. (مجلسی، بی‌تا، ۱۳۴) زن وظیفه اخلاقی دارد وقتی شوهر وارد خانه می‌شود تمام سختی‌های داخل منزل را نادیده بگیرد و چنان با شوهر برخورد نماید که با دیدنش خوشحال شود و مرد نیز وظیفه دارد به محض ورود به خانه تمام مشکلات بیرون را فراموش کند و به گونه‌ای با همسرش روبه‌رو شود که زن مسرور گردد. (نیا، ۱۳۸۹، ۵۴) به این ترتیب تقوی و محبت بین زن و شوهر فرزندان را متدین بار می‌آورد اگر در میان زن و شوهر تقوی و محبت و صداقت حاکم باشد غالباً در میان فرزندان هم خواهد بود، زیرا زن و شوهر که بعداً مادر می‌شوند دو رکن خانواده‌اند و بقیه فرع آنهایند و در احادیث هم داریم از رسول خدا:

«خَيْرُ النِّسَاءِ الْوَلُودُ الْوَدُودُ» (مجلسی، بی تا، ۲۲۵) بهترین زنان شما زن‌هایی هستند که بچه‌زا و دارای عشق و با محبت باشند. حیات خانوادگی وابسته به علاقه طرفین است نه یک طرف. طبیعت، علایق زوجین را به این صورت قرار داده است که زن را پاسخ دهنده به مرد قرار داده است علاقه و محبت اصیل و پایدار زن همان است که به صورت عکس‌العمل علاقه و احترام یک مرد نسبت به او وجود می‌آید. با این بیان تأثیر و تأثر محبت زن و مرد به یکدیگر سبب ایجاد آرامش در محیط خانواده و استحکام پایه‌های زندگی است و هرچه این پایه‌ها مستحکم‌تر باشد نشان از رشد یافتگی بنیانگذاران آن یعنی زن و مرد است.

### نیک رفتاری

بخشی از رفتارهای زوجین که به تحکیم روابط خانوادگی کمک می‌کند، رفتارهایی است که می‌باید فراتر از رفتارهای عادلانه و رعایت حقوق متقابل زوجین، از آن یاد کرد. به این معنا که هر یک از زن و مرد ممکن است از نظر برخورداری از صفات و سجایای اخلاقی یا رفتارهای ارزشی، دارای کاستی و ضعف‌هایی باشد. دختران و پسران جوان که در آستانه ازدواج هستند باید باور کنند که انتظار نداشته باشد همسرشان خیر مطلق باشد در واقع آیا خود خیر مطلق‌اند که چنین انتظاری از دیگران دارند؟ براین اساس هر یک از زوجین ممکن است در ادای حقوق همسری و رفتارهای زناشویی ضعف‌هایی داشته باشد. (عبدالکریم، ۱۳۸۹،



۱۵۰) بنابراین آنچه که محیط خانواده را در چنین شرایطی از سرایشی سقوط نجات می‌دهد، رفتار همراه با گذشت در برابر ضعف‌های طرف مقابل است که نشان از ارتقای شخصیت وی در زندگی می‌باشد، از این رو یافتن راهی معقول برای برطرف کردن این ضعف‌ها ضروری است.

### حیاء و عفاف

ضرورت حفظ عفاف نه تنها از دید مذهب حتی از دید مادی هم برای تداوم زناشویی و حفظ تقوی و عفاف است. این واقعیتی است که زنان و مردان پس از ازدواج در رابطه با همسر خود مالکیتی قایلند و دوست دارند همسرشان تنها از آن خودشان باشد. حتی نگاهش، خنده‌اش، معاشرت نیکویش انحصاراً از آن او باشد. سنخیت زن و شوهر در رابطه با حیات خانوادگی در سایه عفاف و پاکدامنی باید ارزیابی و محاسبه شود. مرد با رعایت تقوی و عفاف خود می‌تواند زنش را که در تعبیر قرآن مزرعه برای اوست از آسیب و تجاوز بیگانه و از دستبرد آنان حفظ کند و با مراقبت‌های خویش او را از خطرات گوناگون دور بدارد و زن هم همینطور با حفظ عفت و پاکدامنی و ارضای خواسته‌ها و تمنیات همسر می‌تواند شرف و پاکدامنی او را حفظ کرده و عوامل تلخی را که گاهی حیات خانوادگی و بنیان آن را لرزان می‌کند و یا تنه درخت حیات را قطع نماید تحت کنترل در آورند. (انصاریان، بی تا، ۲۴۷)

بسیاری از اختلافات و درگیری‌ها به این دلیل است که طرفین به اصول و ارزش‌های دینی و اخلاقی خود و همسران پایبند نیستند و هرگونه رفتار خلاف و ناشایستی را مرتکب می‌شوند، بدون اینکه از عواقب آن بی‌مناک باشند. از این رو حفظ عفت و تقوی برای ادامه زندگی سالم ضروری است و زن و شوهر در این زمینه باید مراقب باشند و ارزش‌های دینی را رعایت کنند. حفظ تقوی برای تداوم حیات ضروری است. زن و شوهر پس از ازدواج، در حصن و حصاری که خدا برایشان معین فرموده است، رفتار و کردارشان حتی با محارم مقید می‌شود تا سبب بدگمانی‌ها و تحریک‌ها و بددلی‌ها نشود. (حسینی، بی‌تا، ۴۴ تا ۴۶) پس عفت و پاکدامنی شوهر، نقش مهمی در پاکدامنی همسرش دارد. عفت زن و مرد توأم با یکدیگر است، مراعات اصول اخلاقی و دینی پاکدامنی نه تنها سبب ارزش‌گذاری به روان و شخصیت زن می‌شود که متقابلاً تأثیر بسزایی در ارزشمندی شخصیت دارد.

### موانع ارتقاء شخصیت

#### عدم ایمان به خدا

آنچه تاکنون برشمردیم، عوامل موثر بر ارتقای شخصیت بود، در این بخش در پی آنیم که موانع اصلی ارتقاء شخصیت همسران و موانع زیر مجموعه‌ای از این موانع اصلی را بررسی می‌کنیم. برخورداری همسران از باورهای دینی و اعتقادی در تحکیم خانواده تأثیر اساسی دارد. اعتقادات و باورهای مذهبی، باعث مشکلات جدی در زندگی خواهد شد. قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ

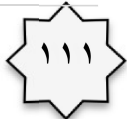
الْقِيَامَةُ أَعْمَى» (طه/۱۲۴) هرکس از یاد و ذکر من رویگردان شود در زندگی سختی قرار خواهد گرفت. پس واضح است که ذکر از یاد خداوند، باور و اعتقاد درونی به خالق هستی و ایمان به توحید برمی خیزد. قرار گرفتن در زندگی سخت و ناگوار می تواند به دلیل حرص، ترس و اضطراب حاصل از این رویگردانی باشد. رویگردانی از باورهای دینی و اعتقادی، آرامش و لذت را از زندگی می شوید و موجب حیرت و سرگردانی و احساس پوچی می شود. ممکن است علی رغم امکانات عادی و رفاهی خوبی که دارد، زندگی آرام و مطمئنی نداشته باشد. بنابراین توحید و خداپرستی موجب می شود نگرش فرد به همه هستی و زندگی انسان، هدفدار و معنادار باشد و در رفتارها با انسجام، وحدت رویه و آرامش عمل کند. باور به خدا، همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند، سوق می دهد. فردی که خدا را ناظر و همراه خود و حتی از رگ گردن به خود نزدیک تر می بیند، تلاش می کند در برخورد با اعضای خانواده و انجام وظایف خانوادگی، رضایت او را جلب نماید. توجه به عدالت خداوند و این که هیچگونه ظلمی را روا نمی دارد و حق هیچ موجودی را ضایع نمی کند.

### عدم ایمان به قیامت

عدم ایمان به قیامت باور مهم دینی که در زندگی انسانها توصیه می شود که نقش به سزایی داشته باشد. اعتقاد به زندگی پس از مرگ، حسابرسی اعمال در روز قیامت و پاداش و مجازات افراد براساس رفتارهایشان است. هر چند اعتقاد به معاد به همه زندگی انسانها تأثیر گذار است ولی اینجا بیشتر جنبه های خانوادگی تأکید می شود. امروزه به خاطر پیشرفت علمی و کم شدن مشکلات زندگی، اضطراب و نگرانی ها روز به روز افزونتر می شود

بخشی از این مشکلات در اثر احساس بی‌هدفی در زندگی است. باور نداشتن به زندگی پس از مرگ نیز این مشکل را بیشتر می‌کند. اثر اول این امر تأثیر خود را به خانواده نیز گذاشته و به علت عدم توجه به اهداف متعالی فقط به کارکردهای محدود زندگی اکتفا شده و به راحتی خانواده‌ها به جدایی و اغلال کشیده می‌شوند. (سالاری، بی‌جا، ص ۸۵) اثر دوم: باور به معاد، ایجاد انگیزه در افراد و تشویق آنهاست. در کلمات اولیای دین به پاداش‌ها و نعمت‌های اخروی اشاره شده است که در ازای انجام وظایف خانوادگی به فرد عطا می‌شود. توجه به این نعمت‌ها و آسایش در زندگی اخروی افراد را برمی‌انگیزد که رفتارهای خود را در جهت کسب این نعمت‌ها سوق دهند.

اثر سوم: نقش آن در مقابله مناسب با مشکلات است، خانواده‌ای که دچار فقدان غریزی یا معلولیت گسترده یا مشکلات بسیار شدید اقتصادی می‌شود، در محدوده زندگی دنیوی، هیچ چیز مانند باور معاد نمی‌تواند آن را در رویارویی مناسب با مشکل کسب آرامش روانی یاری دهد. اساساً برخی از مشکلات جبران‌ناپذیر است و افراد فقط با توجه به پاداش‌های اخروی می‌توانند خود را تسکین بخشد. (سالاری، بی‌جا، ص ۸۵) بنابراین بی‌اعتقادی به معاد سبب ناامیدی از زندگی، ناتوان بر حل مشکلات زندگی و به دنبال لذت‌های زودگذر دنیا بودن و از همه مهمتر سبب خدشه‌دار شدن روابط زوجین می‌شود، زیرا نبود ترس از خدا در زندگی که به حساب خدا و پاداش قیامت گذاشته



می‌شود فراموش می‌شود به عبارت دیگر ارزش‌های اخلاقی بدون پشتوانه خواهند بود.

### عدم قناعت

قناعت و عدم اسراف استحکام شخصیت و عظمت روح انسان است. زن از نظر لباس، تشریفات خانه، مهمانی، پذیرایی‌ها، هدیه و چشم بردن.....یک سلسله احساسات و عواطف خاص دارد. اما این همه از کجا و با کدام پول و درآمد باید تأمین شود؟ حقوق و درآمد شوهر چقدر است. زن نباید یک طرف مسائل نگاه کند، بلکه در مسئله را نیز باید مد نظر داشته باشد. یکی درآمد شوهر، دیگری رعایت اصول روابط سالم اجتماعی اسلامی و پرهیز از اسراف‌گرایی، تجمل دوستی و اسراف کاری است که بسیار مهم است، توجه زن به این امور، البته می‌تواند در حفظ محبت خانوادگی مؤثر باشد. (کاشانی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹) زن در زندگی نباید توقع زیادی داشته باشد و باید در هر موقعیت شوهرش را درک کند که چه مشکلات و گرفتاری‌هایی دارد و حاضر نباشد که شوهرش زیر بار خواسته‌های بیجای او کمر خم کند، زن نباید از روی چشم‌وهم‌چشمی و با سخنان زننده و نیش دار خود را از قبیل: به تو می‌شود گفت مرد، تو چه مردی هستی، خوش به حال فلان زن که چنین شوهری دارد، اسلام این کار را رد می‌کند. (حسینی، بی‌تا، ۲۶) بیچاره شوهر که هنوز نتوانسته است قسط وام را پردازد و قدرت مالی کافی نیز ندارد. ناچار است هر روز زیر بار قسط وام‌های تازه‌ای برود و گرنه محیط آرام و کانون گرم خانه، تبدیل به میدان جنگ داخلی شده، سرانجام جدایی است. بنابراین

معلوم می‌شود توقعات بیجای خانم‌ها باعث می‌شود که شوهر برای جامه عمل پوشاندن به خواهش‌های همسرش مقروض شود، بدهکاریهای فراوان برای خویش به بار آورد و موجب بر باد رفتن حیثیت و تحقیر و آبروی شوهر است. (متگامی، ۱۳۸۰) می‌توان گفت تجمل‌گرایی و اسراف از نظر حق، کار شیطانی و امری ناپسند و برنامه‌ای مطابق با هوای نفس و شهوات حیوانی است، چه مانعی دارد که انسان در تمام زمینه‌های زندگی، حدود الهی و بخصوص قناعت را رعایت کند که قیامت سبب راحتی و مایه آزادگی از اضطراب و دلهره و ناامنی باطن است. اسراف و تجمل‌گرایی نه فقط در ظاهر زندگی مسلمانان، بلکه در مدرسه‌ها از این چیز دور باشید که بتوانیم معنویت را کسب کنیم. مولد و حافظ تمام این واقعیات تقواست. خانه آراسته به تقوا، زن و شوهر تقوا دار دارای گنج الهی و سرمایه عرشی هستند و زندگی آنان آمیخته به خوشی و طراوت و صفا و صمیمیت و امنیت و درشتی و سلامت و انصاف و کرامت و شرافت و حقیقت است، خانه و معبد باید به صورتی باشد که انسان در آن احساس آرامش و امنیت کند و برای او سکوی پرواز به سوی حضرت معشوق باشد. زن و شوهر اگر چنین صفاتی نداشته باشد باعث می‌شود که به‌جای این که به سعادت برسند به پستی‌ها فرو می‌روند چون درگیر هستند. (قائمی، بی‌تا، ۵۱ تا ۵۳) بنابراین مصرف‌گرایی و رواج الگوهای غربی در زندگی یکی از نمونه‌های عدم قناعت است که خانواده را از لحاظ مالی و روانی تحت فشار قرار می‌دهد و بر ارتباط زوجین با یکدیگر تأثیر سوء دارد.

## تهاجم فرهنگی

زن و شوهر باید موازنه‌ای معقول و منطقی بین دخل و خرج ایجاد کنند و با پذیرش واقعیت‌ها، مانع مسأله‌ساز شدن توقعات فردی شوند اگر براساس توسعه طلبی‌های برخی همسران و مهار نکردن «مخارج غیر ضروری» این موازنه برهم خورده و یا در امر درآمد و مخارج حسابگری و انطباق و همسویی در کار نباشد، ناهنجاری رفتاری در خانواده پیش می‌آید. اساس زندگی خانواده و زندگی بر همکاری است! اگر هریک از زن و شوهر طلبکارانه یا تحمیل‌گرانه با طرف مقابل برخورد کنند، آن تفاهم پدید نخواهد آمد. سست شدن پایه‌های نهاد خانواده گاهی در اثر همین مسائل مادی و اقتصادی است و چه بسا از امور جزئی و بی‌اهمیت است و از بحران در می‌آورد. به کارگیری عقل و تدبیر در تنظیم اقتصادی خانواده، ایجاب می‌کند که از چشم و چشمی و رقابت‌های کمرشکن یا حسادت‌های خانمان‌برلنداز، پرهیز کنند و اجازه بدهند هوس به جای عقل بنشیند و صفای زندگی را از میان بردارد. قناعت یکی از شیوه خردمندانه در مصرف و خرج است تجمل‌گرایی بیش از آن که راحتی بیاورد، ناراحتی می‌آفریند و به جای آرامش، زندگی‌ها را دستخوش آشفتگی‌ها و زلزله‌های ویرانگر سازد. در ورای بسیاری از چهره‌های به ظاهر شاد و طبقات مرفه و تشریفاتی، غمی سنگین و اضطرابی دائمی نهفته است. (محدثی، بی‌تا، ۲۶ و ۲۷) یکی از عوامل مهم افزایش طلاق و گسستن پیوند خانواده در گذشته و حال پرتوقعی است که شوهر را فراموش می‌کنند و تنها روی تنوع طلبی، برتری‌جویی، مدپرستی و ... هر لحظه خواسته تازه‌ای عنوان می‌کنند و در تأمین لباس، خانه، دکور و مبلمان منزل، لوازم آرایش و سایر تجملات زندگی، توقعات زیادی از همسر خود دارد. (متگانی، بی‌تا، ص ۵)

به این ترتیب پیامدها و تأثیرهای تهاجم فرهنگی نه تنها باعث تنزل شخصیت زوجین می‌شود که سعی دارد بنیان خانواده را ریشه کن کند، تأثیرات تهاجم فرهنگی مانند زیر پا گذاشتن ارزش‌های دینی، شرکت در مجالس و پارتی‌های نامناسب، قماربازی، رواج بی‌حجابی‌ها و بی‌عفتی‌ها، کم رنگ شدن حس احترام به افراد، اشتغال فراوان زنان و فراموش کردن خانه و خانواده، فراموشی وظایف پدری و مادری و همسری می‌باشد.

### نتیجه

اعتقادات، اخلاق و فرهنگ از عواملی هستند که نقش مؤثری در ارتقاء شخصیت زوجین دارند، از طرفی پیوند ازدواج امری مقدس است که در آیات و روایات بر آن تأکید شده است. زیرا شکل‌گیری شخصیت افراد در خانواده صورت می‌گیرد و با نهادینه شدن ارزش‌ها رشد و تعالی خانواده محکم می‌شود. همچنین با بررسی نقش‌های مختص زن و مرد مانند اقتدار و عواطف زن، رعایت حقوق یکدیگر، بحث مشورت و عفو و ... و بررسی نقش‌های مشترک آنها مانند محبت، اعتماد، رفتار نیک، حیاء و عفاف بدست می‌آید که عوامل معنوی نقش بسزایی در تحکیم خانواده دارد. از طرفی تهاجم فرهنگی علیه خانواده و رعایت نکردن اصول اخلاقی، مصرف‌گرایی و تجمل به روابط زوجین آسیب می‌رساند و سبب تزلزل خانواده می‌شود.

از طرفی دانسته شده که جامعه سالم در گرو خانواده سالم است و خانواده سالم با سلامت جسمی و روانی زوجین همراه است. اگر این نوع سلامتی با اصول اخلاقی دینی همراه شود نه تنها به ارتقاء شخصیت زوجین کمک می‌کند بلکه باعث به کمال رسیدن هر دوی آنها می‌شود و این به نوبه خود در نسل‌های بعدی و تربیت فرزندان مؤثر است.



## فهرست منابع

### \* قرآن

۱. جوادی آملی، حسن، زن در آیین جلال و جمال، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ سوم، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۲. امیرپور، احمد، اخلاق از دیدگاه قرآن و چهارده معصومین، ناشر انتشارات راز توکل، بی‌جا، نوبت چاپ دوم تابستان ۱۳۹۰
۳. انصاریان، حسین، خانواده در اسلام، ناشر، انتشارات ام ابیها، قم، چاپ نهضت، نوبت چاپ چهارم، ۱۳۷۵
۴. جعفری، محمدتقی، زن از نظر امام علی(ع)، تنظیم و تلخیص، جوادی، محمدرضا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷
۵. جمشیدی، اسدالله و دوستانش، زن در فرهنگ اندیشه اسلامی، جستاری در هستی‌شناسی زن، ناشر، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهش امام خمینی، بی‌تا، بی‌جا
۶. حسین، سید مهدی، آموزش و مشاوره قبل از ازدواج، چاپ اول، بی‌جا، بی‌نشر، سال ۱۳۹۰
۷. حسین‌زاده، محمدرضا، پرسمان قرآنی ازدواج و خانواده، تهیه فرهنگ و معارف قرآن، بی‌جا، نوبت چاپ دوم، ۱۳۹۵، چاپ زیبایی
۸. حسینی، داوود، روابط سالم در خانواده، ناشر مؤسسه بوستان کتاب، نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، نوبت چاپ چهارم ۱۳۸۰
۹. حسینی، سید ابراهیم، فمینیزم علیه زنان، کتاب نقد، تهران مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، زمستان ۱۳۸۹، ش ۱۷۰
۱۰. حیدری نراقی، علی محمد، رساله حقوق امام سجاد(ع)، ناشر انتشارات مهدی نراقی، چاپ ۲۰، زمستان ۱۳۸۹، چاپ سلیمان زاده
۱۱. خسروی مازندرانی، خسرو، همسران نمونه، انتشار مشهور، انتشارات میراث ماندگار، ۱۳۸۵، چاپ اول

۱۲. سالاری فر، محمدرضا، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ناشر مرکز هاجر، بی جا، چاپ زلال کوثر، چاپ اول، بهار ۱۳۸۵
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجاه و یکم، بیجا، ۱۳۸۶
۱۴. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، نشر مؤسسه آل البیت، بی تا، ح عدا
۱۵. عبدالکریم و جمعی از مؤلفان، تفسیر موضوعی قرآن کریم، نشر معارف، بیجا، چاپ ۱۳۸۹، ۲۷
۱۶. قائمی، علی، تشکیل خانواده، انتشارات امیری، بیجا، چاپ هفتم، بی تا
۱۷. کاشفی، محمدرضا، آئین مهرورزی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، ۱۳۸۲
۱۸. کتابچی، محسن، آئین زندگی از دیدگاه امام رضا، بی نشر، چاپخانه دقت، چاپ سوم، ۱۳۸۵
۱۹. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ناشر انتشارات ستوده، بی جا، چاپخانه بزرگ قرآن کریم، نوبت چاپ هفتم ۱۳۸۵.
۲۰. مجلسی، محمدباقر ابن تقی، بحار الانوار، تهران المکتبه الاسلامیه، جلد ۱۰۳، سال، ۱۳۵۴.
۲۱. محدثی جواد، زندگی الفبای (سعادت خانواده) نشر دفتر فرهنگ اسلامی، بی جا، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۲۲. نیا، اسدالله، آئین همسر داری، ناشر سباء اکبر، بی جا، چاپ هفتم، ۱۳۸۹.